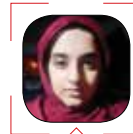


نقد محمد رحمانی بر کتاب «برده سور»

مبنای فیلمنامه و سریال

کتاب «برده سور» با روایت پدا... خداداد مطلق و به قلم کیانوش گلزار راغب که توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است، خاطرات معلمی است که در مهرماه ۱۳۵۹ توسط کومه‌ها اسیر می‌شود. او تنها بازمانده از یک جمع هشت نفری است که در همان زمان گرفتار کومه‌ها شده بودند. «برده سور» از این جهت کتاب خوبی است که به مقطعی پرداخته است که کمتر افرادی به سراغش رفته‌اند. به‌ویژه چون خود نویسنده در آن ماجرا حضور داشته، روایت باورپذیرتر است. باید بگویم در مورد این حوادث در سال ۱۳۶۵ فیلمی به نام «اتاق یک» ساخته شد که این کتاب از آن فیلم بسیار جلوتر است. داستان‌های این کتاب باورپذیری بیشتری دارد و شخصیت‌های مهم‌تری را ارائه داده است. البته به عقیده من کتاب با عجله نوشته شده است و اگر این اتفاق نمی‌افتاد کار قوی‌تری می‌شد. می‌دانم که مستندنگاری و ثبت خاطره با داستان‌پردازی متفاوت است اما داستان این زندانی‌ها قابلیت پرداخت بیشتری داشت. از دیگر نکات منفی کتاب این است که کسی که این کتاب را می‌خواند باید تاریخ معاصر را بلد باشد و گروهک‌ها و کومه‌و... را بشناسد. اگر خواننده در نقطه صفر و شروع خوانش تاریخ باشد این کتاب برایش گنگ است. شاید اگر برخی اصطلاحات ترجمه و تفهیم می‌شد برای خواننده راحت‌تر باشد اما به‌طور کل، کتاب یک اثر متوسط رو به بالاست و نشان داده که درگیری کومه و دموکرات طی سال‌ها بوده است. یک بخش طلایی هم دارد که آن بمباران زندان دموکرات‌هاست. این که نویسنده‌ای که خودش در آن ماجرا حضور داشته از ترس انگ و اتهام وارد جزئیات نمی‌شود، این کار را برای من پژوهشگر سخت‌تر می‌کند.

به عقیده من اکنون آن فضای ترس باید از بین برود، چرا که دوران جنگ تبلیغاتی گذشته است و جمهوری اسلامی توانسته جریان‌های مختلف را که علیه ما جنگ تبلیغاتی داشتند، سرکوب کند. اگر ما بخواهیم همچنان محافظه‌کارانه و با ادبیات دهه ۶۰ بنویسیم، برای مخاطب راضی‌کننده نخواهد بود. اگر مجاهدین را به سطح محدود کنیم، نمی‌توانیم شناخت درستی از گروهک‌ها داشته باشیم. البته در مورد مجاهدین خلق به واسطه این که جنگ خونین بیشتری داشتند، نسبت به سایر گروهک‌ها بیشتر مورد بررسی قرار گرفتند. اسناد، پژوهشگر، داستان و هنریک زنجیره است که این زنجیره برای ما هنوز خلأ دارد. در مورد مسائل کردستان و غرب ایران همه اسنادی وجود ندارد و اگر هم هست، دسترسی به آنها ممکن نیست. در دفاع مقدس و در جنوب ایران، فرماندهان گردان و افراد، خاطرات اشخاص را ثبت کردند اما در مورد غرب هنوز کسی به سراغشان نرفته است. آقای گلزار راغب هم به واسطه این که در آن ماجرا حضور داشتند و دغدغه‌مند بودند این خاطرات را ثبت کردند.



نگین ذکایی

فعال کتاب

به تازگی کتاب «ده سال با حافظ اسد» به قلم بئینه شعبان و ترجمه رامین حسین‌آبادیان به چاپ رسیده است. «ده سال با حافظ اسد» نخستین کتابی است که با اسناد به اسناد و منابع آرشیوی وزارت خارجه و کاخ ریاست جمهوری سوریه به موضوع نبرد عربی - اسرائیلی، فرآیند مذاکرات صلح خاورمیانه در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ میلادی و همچنین خاطرات نویسنده به عنوان مترجم ویژه حافظ اسد پرداخته است.

حافظ اسد، سیاستمدار و ژنرال سوری، از رهبران برجسته حزب بعث سوریه، فرمانده پیشین نیروی هوایی ارتش سوریه و نیز رئیس جمهور و فرمانده کل قوای مسلح کشور سوریه (به مدت ۳۰ سال) بود.

در سال ۱۹۷۰، ارتش حزب بعث سوریه (ارتش خصوصی حزب) به همراه نیروهای از ارتش رسمی سوریه که تحت فرماندهی اسد بودند، علیه بقیه ارتش کشور کودتا کردند و حافظ اسد از این طریق به ریاست حکومت رسید.

نویسنده در این کتاب به بیان برخی گفت‌وگوها و اظهارنظرها در جریان مذاکرات در پشت درهای



حسین شرفخانو

نویسنده

نوشتن مهم است و از وقایع نوشتن، مهم‌تر و نوشتن از وقایع مهم، بخش مهمی از وظیفه کسی است که اولاً در معرض اتفاقات مهم است و ثانیاً بلد است ببیند و بنویسد.

مهدی قزلی این شانس چندین و چند باره را داشته که در معرض اتفاقات مهمی در بستر تاریخ معاصر ایران باشد و این بخت را داشته که همت کند به دیدن و خوب دیدن و خوب نوشتن آن اتفاقات مهم. قبل‌تر کتاب «پنجره‌های تشنه» را از او خوانده بودم که روایت روزهای انتقال ضریح جدید سیدالشهدا بود از مدرسه معصومیه قم به حرم امام شهید در کربلا و ساخت و انتقال ضریح برای امام (ع)، اتفاق نادری بوده که قبل‌تر فقط یک‌بار و آن هم در عهد قاجار و نه توسط ایرانی‌ها که به همت شیعیان شش امامی هند، روی داده بود و معلوم نیست کی دوباره حرم امام شهیدمان ضریح لازم شود و آیا دوباره بخت ساختش به ما برسد یا نه و آیا کسی آن سال نمی‌دانم کی حواسش به روایت انتقال باشد یا خیر. روایت نویسی بخشی از روزمرگی‌های مهدی قزلی است.

او اول بار در تابستان ۹۹ که دیدم، داشت

نگاهی به یک کتاب تازه از انتشارات ایران

به روایت مترجم ویژه «حافظ اسد»

ترکیه‌ای‌ها و جمال عبدالناصر برای مصری‌ها می‌ماند...

بئینه شعبان همچنین با ارائه تصویری از فضای جلسات هیأت‌های مذاکره‌کننده سوری و اسرائیلی، به بیان دیدگاه‌ها و نحوه رفتار این دو هیأت در جریان مذاکرات فرآیند صلح می‌پردازد. با توجه به اطلاعات ضد و نقیضی که از واقعیت مذاکرات مختلف در مادرید، واشنگتن، اسلو، ژنو و به‌ویژه مذاکرات سوری - اسرائیلی، کتاب دکتر بئینه شعبان، سندی تاریخی-سیاسی در این زمینه محسوب می‌شود که می‌تواند واقعیت‌های این مذاکرات را به خوبی نمایان سازد.

این اثر در ۱۱ فصل تالیف شده است، «در مسیر مادرید»، «خوشا به سعادت حامیان صلح»، «روی کار آمدن بیل کلینتون»، «ماه غسل سوریه و آمریکا در دوران کلینتون»، «ودیعہ رایبن»، «زمین هسته اصلی منازعه»، «میراث یوسف‌العظمه»، «تفاهم‌نامه آوریل»، «مذاکرات غیرمحرمانه رونالد لاوردر»، «فاجعه شبرزتاون» و «مردی که حاضر به امضای توافق‌نامه نشد» عناوین بخش‌های مختلف این کتاب هستند. «ده سال با حافظ اسد» در ۴۰۸ صفحه با قیمت ۱۲۰ هزار تومان توسط انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران منتشر و روانه بازار شده است.



«خوش‌هاتی» مسافر اردیبهشت

یادداشت‌هایش می‌بینیم که جماعت محافظ را هیچ عهدی با قلم به‌دستان نیست. خاصه آنجا که او کاملاً اتفاقی سر از دیدار نیمه‌خصوصی خانواده شهدای شاخص منطقه کردستان با رهبر درمی‌آورد و رفیق هم‌اتاقیش ج‌می‌ماند.

جلد کتاب ۱۲۶ صفحه‌ای روایت سفر رهبر به کردستان، در انتها به شکل پاکت است و داخلش چند قطعه عکس از دیدارهای همان سفر. برخلاف رسم معمول که رنگ قلم را سیاه می‌گیرند، خطوطش به یشمی سیر چاپ شده شاید از سر علاقه‌ای که هموطنان کرد به این رنگ خاص دارند.

یادداشت‌های همراهی‌اش با رهبر در سفر سال ۸۸ به کردستان را مرتب می‌کرد و خدا بهتر و بیشتر می‌داند، از آن تابستان کرونایی ۹۹ تا اردیبهشت از کرونا جسته ۱۴۰۱، چند بار متن و حاشیه‌نویسی‌هایش پایین و بالا شدند که رسیده به کتاب «همپای مسافر اردیبهشت».

کتابی که روایت سفر کردستان رهبر انقلاب است در اردیبهشت ۱۳۸۸ و باز این مهدی قزلی بوده که بخت یارش بوده تا همراه نزدیک رهبر باشد در روزهای سفر و از روزهای فشرده سفر و دوندگی و خستگی و اتفاقات پیرامون سفر بنویسد.

قبل از نوشتن روایت باید بلد باشی ببینی و از قضا مهدی قزلی بلد است خوب جاگیر شود تا اتفاق را خوب ببیند. او در این کتاب، خوب جاگیر شده و سفر را و سفرنامه را خوب نوشته است. یادش بوده که برای شنیدن روایت مردم، باید بروی داخل شان و توی کوچه و بازارشان پرسه بزنی تا نصیب و قسمت از شنیدن و دیدن و روایت کردن پرو پیمان‌تر شود.

و معلوم است تجربه قبلی داشته و می‌دانسته جماعت محافظان و تیم دور و بری‌های یک شخصیت سیاسی، معطل آمدن و نیامدن خبرنگار و نویسنده نمی‌مانند و باید او خودش سر خویش بگیرد و دنبال کاروان برود و لابه‌لای

